

GAMERVERSE

MARVEL

#5

SPIDER-MAN

HOPELESS
LAISO
ROSENBERG

VELOCITY



دورنام

dorrnaame.info

کاری از: کیوان داوند



تو...!

آره، من گوش کن، من زیادی به این موضوع فکر کردم.

خیلی زیاد.

یه شکلی جنون آمیز زیاد.

میدان تایمز.



و تو از دست من ناراحت نیستی.

اوه.

آره

من



عصبی ام!

منظورم اینه که ظاهراً خیلی عصبی شدی.

نه، نیستی.



ولی نه از دست من.

SLAP

اون چی...!

چیزی نیست که
باید نگرانی
کنیم؟

می دونی.
وقتی خواب بودی.
که خودم برات
په آشی
پختم!

کف آتش
خاموش کن آتش های
بزرگ.



چرا با این
کارو می کنی!؟



آتش گرفته
بودی. خاموشت
کردم.

دارم
سعی می کنم
کمکت کنم.

می دونم
ترسناکه. باید
ترسناک باشه.



ولی وقتی
اینقدر...

...پر حرارت
و عصبی هستی...

من...
نمی تونم کمکی
کنم.



پس من
این وقت
استراحت رو
طراحی کردم.

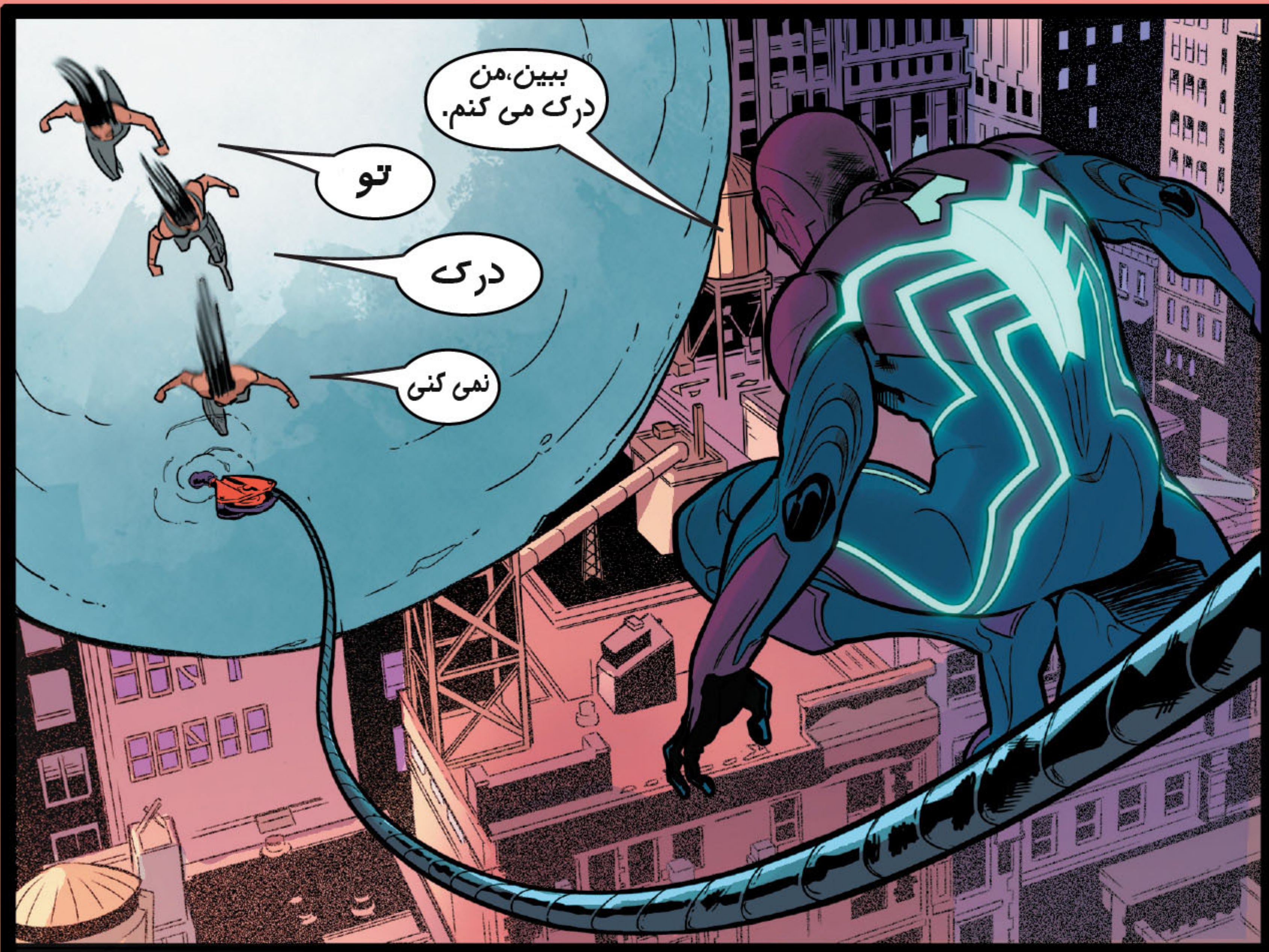


بذار!
برم!



بذار بر مmmmmمم!

FWP FWP FWP

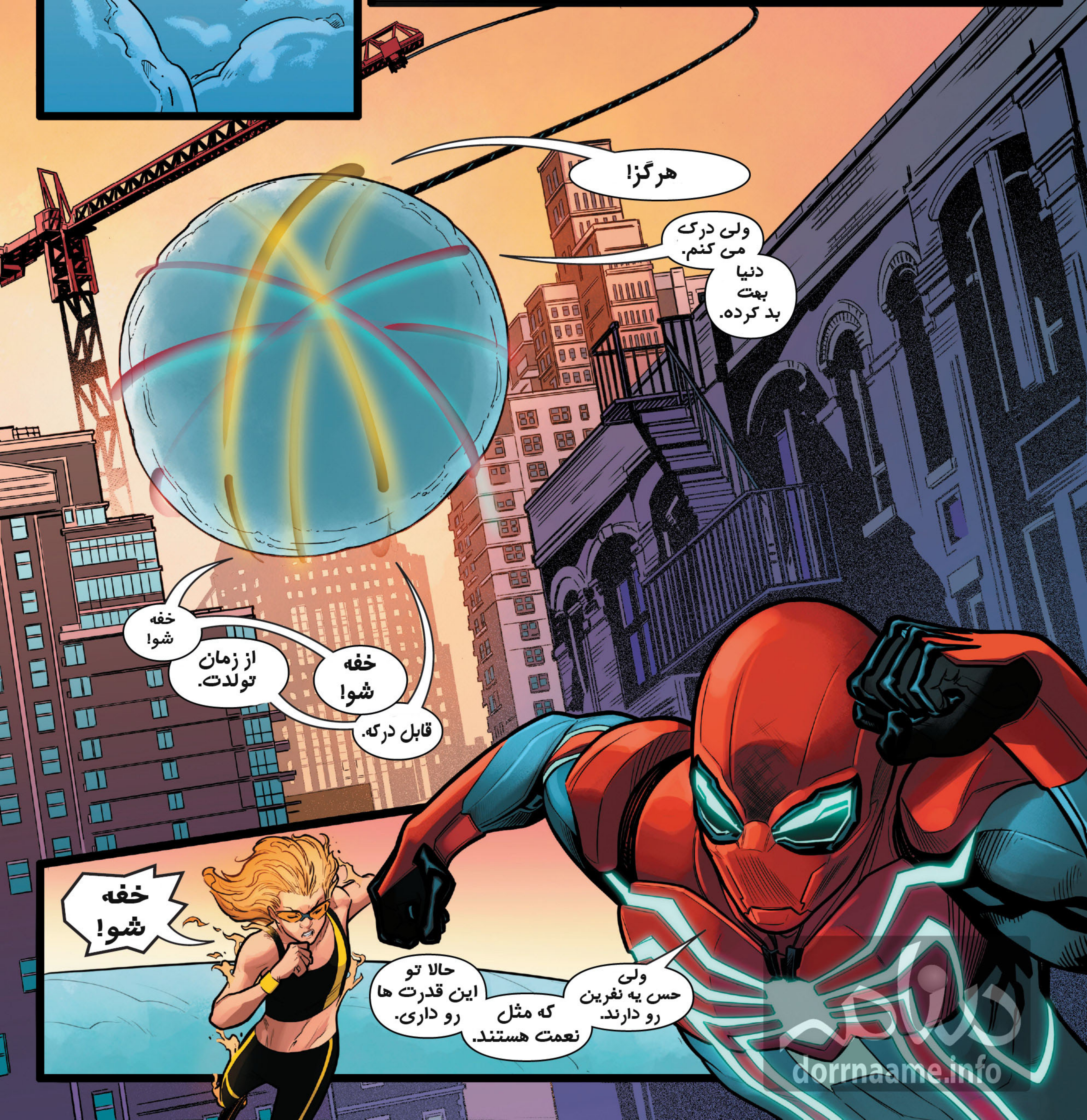


ببین، من درک می کنم.

تو

درک

نمی کنی



هرگز!

ولی درک می کنم. دنیا بهت بد کرده.

خفه شو!
از زمان تولدت.
خفه شو!
قابل درکه.

خفه شو!

ولی حسن یه نفرین رو دارند. که مثل نعمت هستند. حالا تو این قدرت ها رو داری.



تو جدا افتادی.

تنها و خسته ای.

عصبانی هستی.

می تونی عصبانیت خودتو سر من خالی کنی.

برای مدتی.

یا سر اون خبرنگارها یا هر کس دیگه.



ولی این عصبانیت از درون تو رو می سوزونه.

همین الان هم شروع شده.

این چیه دیگه!؟

نمی تونم متوقف بشم!

یه استعاره.

یه نوع روغن صنعتی.

کل پشت بام ریختم.

عجیبه، آدم نمی دونه وقتی سریع حرکت می کنه، چقدر کار می تونه بکنه. وقتی خیلی سریع باشی، به نظر می رسه کل دنیا بی حرکت.

من برای عملی کردن این نقشه وقت کافی داشتم.



واى! من!

ازت! متنفرم!

W-KRAK

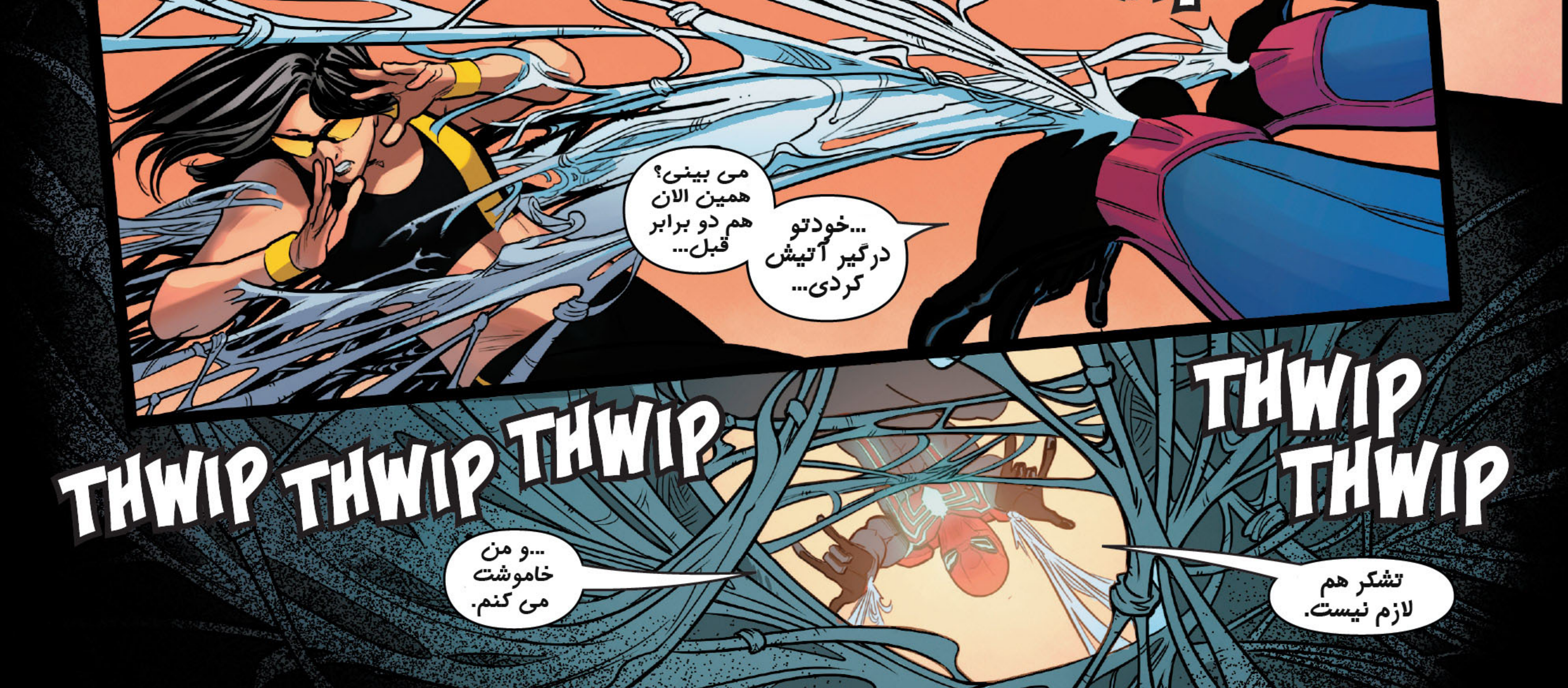


نه، نیستی.
من
اسپایدر منم.
مردم
اسپایدر من رو
دوست دارند.

THWIP
THWIP
THWIP

THWIP
THWIP

THWIP THWIP THWIP THWIP THWIP



می بینی؟
همین الان
هم دو برابر
قبل...
...خودتو
درگیر آتیش
کردی...

...و من
خاموش
می کنم.

تشکر هم
لازم نیست.

THWIP THWIP THWIP

THWIP
THWIP

اصلاً خنده دار نیست! اصلاً خنده دار نیستی!

طوری باهام حرف می زنی انگار یه بچه احمقم...

...نباید از کوره در برم!

اصلاً فکر نمی کنم احمق باشی. من احمق های زیادی می شناسم. یا خیلی از اونها جنگیدم.

بخاطر احمق ها خودمو انقدر به دردسر نمیندازم.

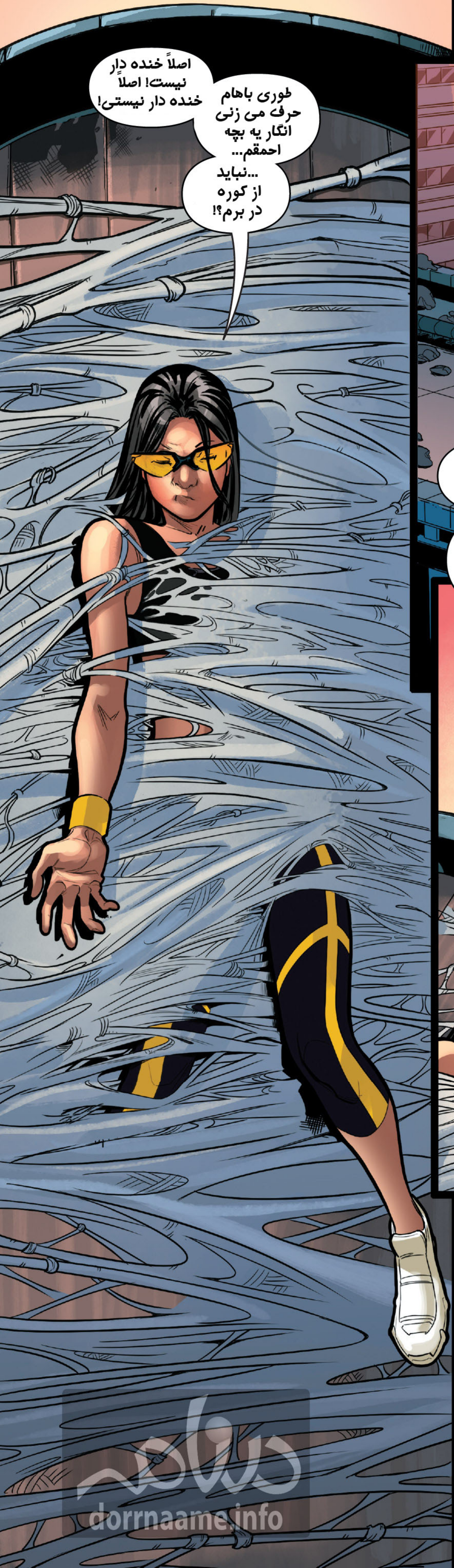
و عصبانیت تو هم کاملاً توجیه پذیره.

مشکل عصبانیت اینه که وقتی خیلی درگیرش می شیم...

...هیچوقت متوجه نمی شیم که ما رو وادار به چه کارهایی می کنه.

وانمود می کنی که حسن منو می شناسی.

نه، حق با تونه. هیچکس نمی تونه درک کنه.



ولی
یادم میاد
وقتی عموم
کشته شد، چه
احساس داشتم.
و وقتی که نتونستم
زن عمومو نجات
بدم.

اگه اجازه
می دادم اون عصبانیت
و غم به من مسلط بشه
می دونه تا چه حد خطرناک
می شدم.

ولی من
اسپایدرمن نیستم.
من نمی خوام قهرمان
کسی باشم.
خیلی
بده.

و تو
منو اصلاً
نمی شناسی. پس
نمی دونم چرا
فکر می کنی...

تو یه
بچه احمق
نیستی.

ولی
یه معمای
حل نشده بزرگ
هم نیستی.

من
تمام پرونده ها
رو خوندم.
یادداشت های
مری جین رو
هم خوندم.
دیدم چطور تو
این شهر وول
می خوری انکار
موتو آتیش
زدند.

می بینمت.

که این همه
سال باروح پدرت
زندگی کردی.

و خیلی
سعی کردی که
عاقبت اونو
نداشته باشی.



و خودتو به
یه روح تبدیل کردی.
ایجاد شدند. سرعت اونو
به ارث بردی.
پس یه روز
همینجوری قدرت ها

من این
کارو نکردم.



به دنیای زنده ها
برگرد هیلی. بذار من
بهت کمک کنم.

بس کن!
فقط بس کن!

تو نمی تونی
منو نجات بدی!
من با این قابلیت
متولد شدم، حله!؟

و اگر حق با تو
باشه و این قدرت ها
منو مثل پدرم از پا
دربیاره...



من کوتاه
نمیانم...

بذار بشه.
زندگیه دیگه.

...دوست
ندارم کسی منو
درمان کنه.

آمم...



راستش،
وقتی بیهوش
بودی این
واکسن رو درست
کردم.

مطمئنم
می تونم
درمانت
کنم.



اگه
بخوام.

چی؟



ولی
نمی خوام.

KREEESH

نه...

همه جا
تعقیبم
می کنی!

ولم نمی کنی!

همه اش
حرف می زنی!

جوک های
بی مز تو تعریف
می کنی!

بعد یه
تله موش بزرگ
درست می کنی...

...مثل په
نقشه مردم آزارانه
...

...که منو
شکنجه بدی!

اصلاً
می تونی کمکم
کنی!؟

درستم
کنی!؟

**در ماتم
کنی!؟**

آخ!

نه!

تو
نمی خواهی
کاری
بکنی!

گوش کن
هیلی. به اتفاق
ترسناک قراره
بیفته.

ولی
من مواظبتم.

چی؟!

فقط از من
جدا نشو...

TOOOOM



<سرفه> ...الان...

حالت خوبه؟

نه.



حالم خوب نیست!

نمی تونم کنترلش کنم! همه چیزو داره نابود می کنه!

اگه می تونی کل اینو از من دور کنی، اگه می تونی درمانم کنی...

...چرا این کارو نمی کنی!؟

چون...

...اگه اسپایدرمنی در کار نبود، چقدر وضع این شهر آشفته تر می شد؟



وضع مردم چقدر بدتر می شد اگه یکی قدرت های منو ازم می گرفت...

...منظورم قبل از اینکه بدونم چر کار دارم می کنم؟

وقتی به نوجوان بیشتر نبودم و از قدرت های خودم برای کله شقی های نوجوانانه استفاده می کردم؟



تا زمانی که در مورد نحوه استفاده از قدرتت تصمیم نگرفتی، قدرت پدرت رو ازت نمی گیرم.

فکر می کنم بدونم چطور سرعت تو رو کنترل کنم. ولی دارم می بینم که این لباس سرعت داره به یه بمب اتمی تبدیل می شه...

...اگه کمک منو می خواهی باید...



...آروم
بگیری!

POOM

آپارتمان مری جین. چند ساعت بعد.



به نظرم یکی به کم عاشق شده...

...اگه برای ما چند ساعت گذشته، برای اونها چقدر زمان گذشته؟

هنوز خبری نیست. می خوام خونسرد باشم، ولی...



اخبار به خودی خود نوشته نمی شن واتسون.

به نظر من بهترین درمان نگرانی اینه که مشغول به کار بشی.

بن اوریش این بدترین حرفی بود که یکی می تونه به من بزنه. من نگران هیلی هستم.

...و اون فرد خوشبخت انگار قهرمان محله ماست.



الان که حرفش پیش اومد، یادداشت های جدیدم در مورد داستان روح رو برات فرستادم.

و بذارم کارمند خوش فکری که می دونم راه حلی براش پیدا می کنه، در موردش تصمیم بگیره.

چی؟ نه، بن...

این داستان توئه.

چطور می خواهی ضربه لازم رو به آزکورپ وارد کنی... ولی زندگی اون دختر رو نابود نکنی؟

خونسرد باش. اون یادداشت ها رو به جای خودشون برمی گردونم.

...ولی هنوز نمی دونم چه موضعی می خواهی بگیري.

الان کار برای انجام دادن زیاد شد...

همه تحقیقات رو خودت انجام دادی. حتی در مورد نوشتنش بهت سخت گذشته.

نه این یکی مال خودته.

ممنونم! نمی دونم چی...



بعداً بهت... زنگ می زنم. خدای من!



خدای من، پیتر. خیلی نگران شدم. چی شد؟

زیاد مطمئن نیستم.



لباس منفجر شد. وقتی بیدار شدم تنها تو خیابون افتاده بودم.

لباس ترکید؟!

بووم.



نگو بووک.

می تونست بدتر باشه. هیلی سر منو از جاش نکند. و انگار نسوخته.

به نظرم حرق منو گوش داده و از سرعتش کم کرده.



الان چی می شه؟ می تونی کمکش کنی؟



می تونم به کنترل قدرت هاش کمک کنم.

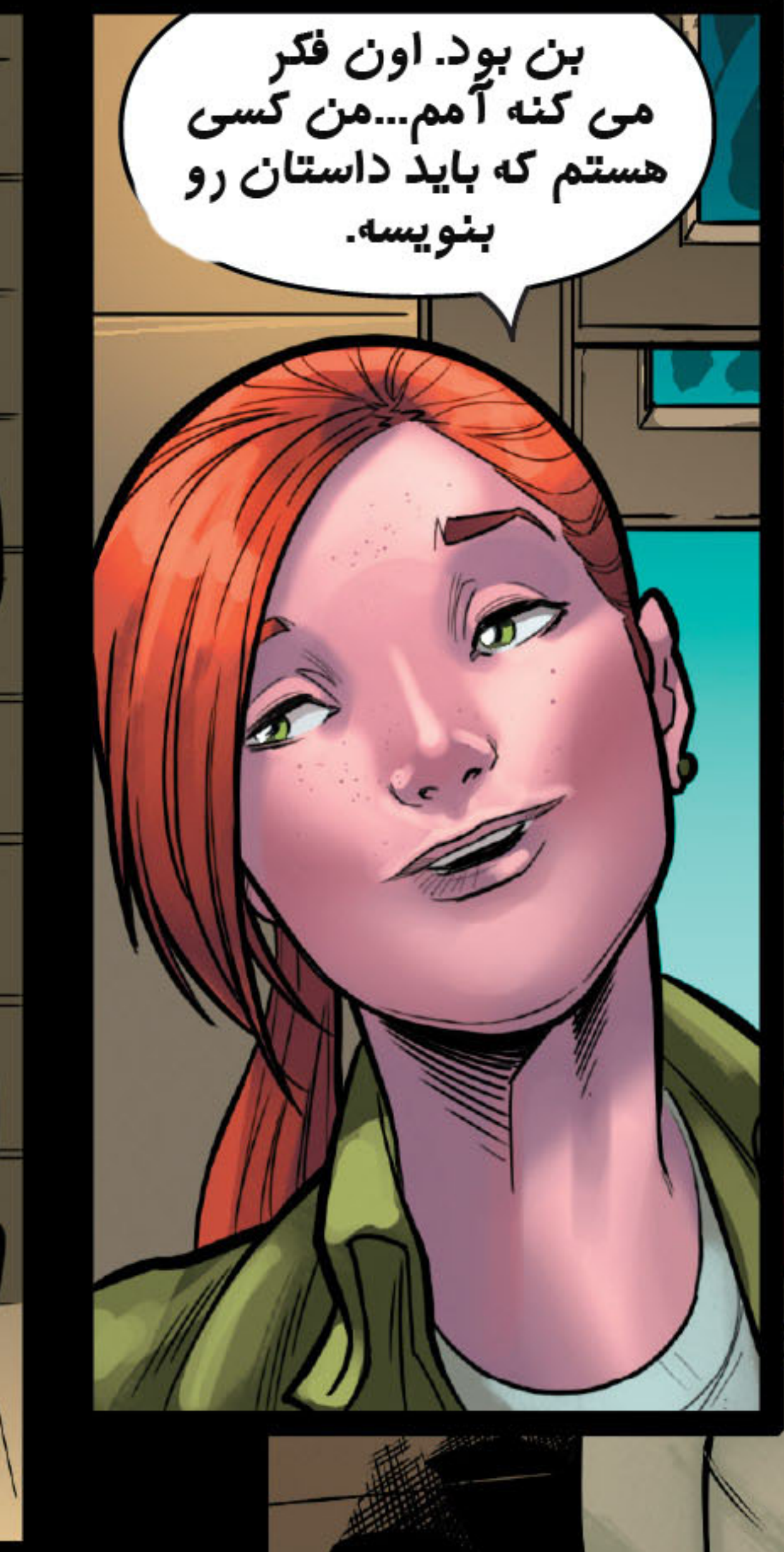
ولی اینکه با اون قدرت ها چیکار می کنه... باید منتظر شد و دید.



یه جورایی وحشتناکه.

بیش از حد معمول نیست.

کی پشت خط بود؟



بن بود. اون فکر می کنه آمم... من کسی هستم که باید داستان رو بنویسه.



قهرمان خبرنگارت در مورد مهمترین کار سالت بهت کمک می کنه.

کار سختی نیست.

آپارتمان هارلی. کمی بعد.

مامان! تو به اسپایدرمن اجازه دادی بیاد اینجا؟!

اسپایدرمن؟ چی؟

ولش کن.

DAILY BUGLE
THE GHOST OF OSCORP'S PAST
Mary Jane Watson

"نتایج تست های ژنتیکی غیرقانونی گریبانگیر نورمن آزبورن خواهد شد. مردیکه چند دهه مسؤل قتل معرفی شده بود تبرئه شد."

نویسنده:
مری جین.

خدای من.
اون کار خودشو کرد.

داستان خوبی بود، خوره کله شبکه ای!

ولی امیدوارم فکر نکنی که اینا ما رو بی حساب کرده.

دو هفته اسلو موشن بودنو می کم!

دو هفته!

بهتره توی این جعبه پر از کلوچه یا بلیط کنسرت یا یه چیز خوب باشه...

نه...

آره!

اون!

موفق
شد!



هیلی

یه بار مردی به من گفت
"قدرت زیاد، مسئولیت زیادی
رو هم به همراه داره."

یه مرد باهوش
زمانی به من
کمک کرد که
لباس هوشمندی
بسازم.

و بهترین زنی
که می شناسم
به من کمک
کرد تا از زمین
بلند شم... هزاران
بار.

برای سرعت بیشتر در
جهت عقربه ساعت و برای
کاهش، خلاف عقربه ها بچرخون.

اگه منو لازم
داشتی بهم بگو.

خوش
باش.

..اسپایدرمن.

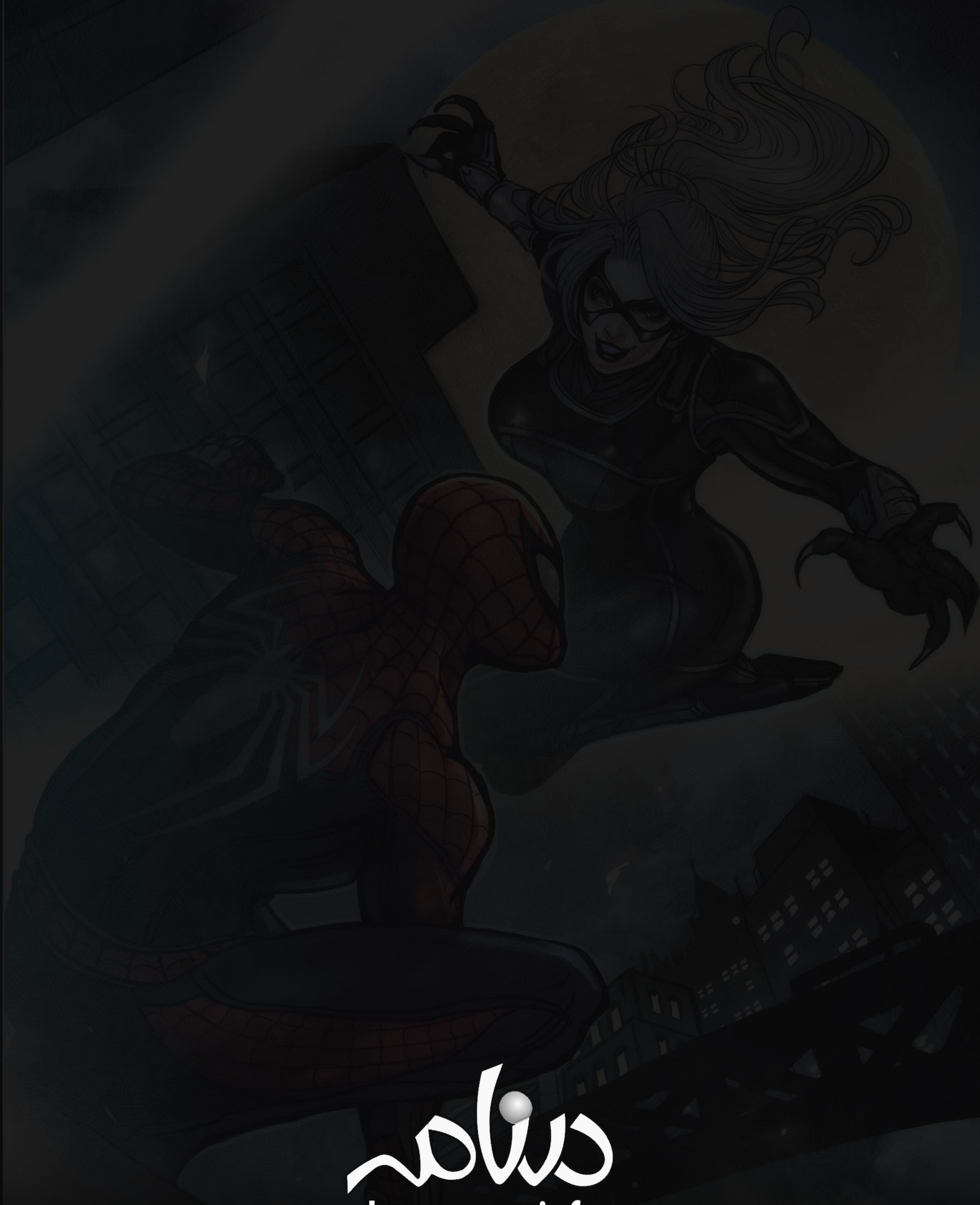
سر آغاز!

NEXT:

MARVEL

SPIDER-MAN

THE BLACK CAT STRIKES #1



دورنامه

dorrname.info

مرجع کمیک های فارسی